

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در
فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

اهمیت دو نظریه «متن محوری و مؤلف محوری» در نقد ادبیات کودک و نوجوان

علیرضا صغیر ۱، محمود فیروزی مقدم ۲*، مریم جلالی ۳، مهیار علوی مقدم ۴

۱- دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تربت حیدریه، دانشگاه آزاد اسلامی، تربت

حیدریه، ایران alireza.saghiri@yahoo.com

۲- استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تربت حیدریه، دانشگاه آزاد اسلامی، تربت

حیدریه، ایران (نویسنده مسئول): alireza.saghiri@yahoo.com

۳- استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران:

alireza.saghiri@yahoo.com

۴- دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران:

alireza.saghiri@yahoo.com

چکیده

با بررسی و شناخت تأثیر نظریه‌های سه‌گانه یعنی «مخاطب‌محور، مؤلف‌محور و متن‌محور» در آثار کودکان و نوجوانان می‌توان به نتایج مطلوب‌تری در اثبات ارزشمندی یا ضعف آثار دست یافت. پژوهشگر می‌کوشد با بررسی نظریه‌های «متن محوری و مؤلف‌محوری» در آثار کودک و نوجوان، اهمیت توجه به نظریه‌های مذکور را در نقد ادبیات کودک و نوجوان نشان دهد و معتقد است کارکرد نظریه‌های سه‌گانه فوق‌الذکر در آثار کودکان و نوجوانان با آثار بزرگسالان تفاوت دارد و این تفاوت ناشی از ویژگی‌های خاص مخاطب است که باید مورد توجه قرار گیرد. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی و گردآوری داده‌ها اغلب به روش کتابخانه‌ای است.

واژه‌های کلیدی: ادبیات کودک و نوجوان، نظریه، متن محوری، مؤلف‌محوری، رویکرد نقد.

مقدمه:

ادبیات کودک و نوجوان به گروهی از آثار ادبی گفته می‌شود که هستی آنها کاملاً به روابط فرضی‌شان با مخاطب ویژه یعنی کودک و نوجوان وابسته است؛ به عبارت دیگر آثار این گروه از مخاطبان شامل مجموعه نوشته‌ها، سروده‌ها و گفتارهایی است که در چهارچوب و طرح مشخصی برای آنها آفریده شده است به طوری که با آن ارتباط برقرار کنند و این رابطه منجر به برانگیختن احساسات، عواطف و پدیدآمدن لذت زیباشناختی شود و تأثیرات خاص روحی و روانی بر آنان بگذارد و سبب رشد شناخت آنان گردد. اثری که برای کودک خلق می‌شود، هدف مشخصی را دنبال می‌کند و میزان موفقیت نویسنده بسته به این است که تا چه میزان به منظور خود رسیده باشد.

ادبیات کودک در دایره المعارف فارسی این گونه تعریف شده است:

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

«مجموعه آثاری که برای مطالعه اطفال و نوجوانان و به منظور سرگرمی و آموزش آنان فراهم شده است و به معنای وسیع تر، آثاری که از لحاظ لفظ و تعبیر متناسب با سنین مختلف کودکان و نوجوانان باشد، در زمره این نوع ادبیات است» (مصاحب، ۱۳۸۰: ۷۲).

با بررسی و شناخت تأثیر نظریه‌های سه‌گانه «متن محور، مخاطب محور و مؤلف محور» در آثار ویژه کودکان و نوجوانان می‌توان به نتایج مطلوب‌تری در اثبات درجه اثرگذاری یا عدم آن در آثار این مخاطبان خاص دست یافت.

مسئله تحقیق:

یکی از مباحثی که از قدیم مورد نظر منتقدان بوده و در پژوهش‌های ادبی اهمیت ویژه‌ای دارد؛ توجه به نظریه‌های سه‌گانه ادبی یعنی «مخاطب محور، مؤلف محور و متن محور» است. این نگرش نقد ادبی در سده‌های اخیر بیش از گذشته مورد توجه قرار گرفته است. در نظریه «مؤلف محور» اثر ادبی را از دید اندیشه و عقاید نویسنده اثر بررسی می‌کنند. پژوهشگر، اثر ادبی را به لحاظ صمیمیت، خلوص، اصالت و کفایت آن در بیان تخیلات و دید فردی شاعر و نویسنده و وضع ذهنی او بررسی می‌کند. غالباً بر اساس این نظریه به دنبال مدارک و شواهدی در اثر ادبی هستند که دال بر حالت و طبیعت مخصوص نویسنده باشد. در نظریه «متن محور» پژوهشگر به بررسی اثر به لحاظ ارجاع به جهان بیرون، یعنی مطابقت آن با جهان واقع می‌پردازد و به دنبال یافتن پاسخی است که نشان دهد چه میزان اثر ادبی در نمایش آنچه که می‌خواهد منعکس کند صادق است؟ (شمیسا، ۱۳۹۴: ۴۶). پژوهشگر سعی دارد تبیین و توضیح فرضیه‌های احتمالی را برای سؤالات ذیل عرضه نماید:

__ اهمیت توجه به نظریه «متن محور» در نقد ادبیات کودک و نوجوان چه جایگاهی دارد؟

__ اهمیت توجه به نظریه «مؤلف محور» در نقد ادبیات کودک و نوجوان چه جایگاهی دارد؟

__ چگونه می‌توان بر اساس نظریه‌های «متن محور» و «مؤلف محور»، ادبیات کودک و نوجوان را مورد نقد و واکاوی قرار داد؟

فرضیه تحقیق:

- به نظر می‌رسد؛ نظریه «متن محور» یکی از اساسی‌ترین نظریه‌های مطرح شده در ادبیات کودک و نوجوان است.
- از نظریه‌های بسیار مهم در نقد ادبیات کودک و نوجوان، نظریه «مؤلف محور» است. در این نظریه اثر بر اساس اندیشه نویسنده و اهداف او بررسی و میزان اثرگذاری آن با توجه به نیازهای خواندنی مخاطب بررسی می‌شود.
- با توجه به نظریه‌های «متن محور» و «مؤلف محور» اثر مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ سپس ویژگی‌های اثر با سلايق و علايق مخاطب تطبیق داده می‌شود. نتایج بررسی می‌تواند قوت و ضعف اثر را بر اساس خواسته‌های مطالعاتی مخاطب نشان دهد.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

پیشینه تحقیق:

امروزه دامنه تحقیقات ادبیات کودکان و نوجوانان با توجه به اهمیت آن و توجه به مخاطبان این حوزه گسترش یافته و پژوهشگران بسیاری در این زمینه قلم‌فرسایی کرده‌اند و برخی از آنان مستقیم یا غیر مستقیم بر نظریه‌های سه‌گانه «متن‌محور، مخاطب‌محور و مؤلف‌محور» تأکید داشته‌اند. ولی جای پژوهش‌هایی که مستقلاً از این بُعد به بررسی موضوع پرداخته باشند؛ خالی است:

ذبیح‌نیا و بردخون در مقاله‌ای با عنوان «بررسی، نقد و سیر شعر معاصر کودک و نوجوان در ایران» به بحث در مورد نقد آثار کودکان و نوجوانان پرداخته‌اند ولی «متن‌محوری و مؤلف‌محوری» را به عنوان معیاری برای نقد آثار کودک و نوجوان مورد بررسی قرار نداده‌اند.

پروین سلاجقه در کتاب «از این باغ شرقی» به بحث در مورد نظریه و نقد در ادبیات کودک و نوجوان پرداخته است. در این کتاب به رویکردهای «متن‌محوری و مؤلف‌محوری» به عنوان معیاری برای نقد ادبی آثار کودکان و نوجوانان پرداخته نشده است.

سید علی کاشفی‌خوانساری در کتابی با عنوان «گزارش تحلیلی نقد ادبیات کودک و نوجوان بین سال‌های ۱۳۵۸ تا ۱۳۷۷» در فصول مختلف به اتفاقات سالهای مورد نظر پرداخته است. او در هر سال ابتدا اشاره ای بسیار کوتاه به اتفاقات مهم سیاسی-اجتماعی آن سال داشته و سپس موضوعاتی مثل اخبار فرهنگی مهم، انتشار کتابهای مستقل و یا توجه به ادبیات کودک در بخشی از یک کتاب و... اشاره داشته است.

محمد هادی محمدی و زهره قاینی در کتاب «تاریخ ادبیات کودکان ایران» مبحثی با عنوان نقد در ادبیات کودکان را مورد بررسی قرار داده است ولی موضوع «متن‌محوری و مؤلف‌محوری» را به عنوان معیار نقد طرح نکرده است.

بنفشه حجازی در بخشی از کتابی با عنوان «ادبیات کودکان و نوجوانان ویژگی‌ها و جنبه‌ها» به بیان ملاک‌های کلی ارزشیابی کتاب‌های کودکان و نوجوانان توجه داشته است. در این کتاب ملاک‌های ارزشیابی آثار کودک و نوجوان به صورت کلی مورد بررسی قرار گرفته است.

علی رؤوف با نگارش کتابی تحت عنوان «راهنمای نقد کتاب کودک و نوجوان» به ارائه مباحثی پیرامون نقد پرداخته است. در این کتاب همچون سایر آثار این حوزه نگاهی به بحث «متن‌محوری و مؤلف‌محوری» نداشته است.

رضا رهگذر در دو جلد کتاب با عنوان «نگاهی به ادبیات کودکان قبل و بعد از انقلاب» به نقد و بررسی برخی از آثار حوزه کودکان و نوجوانان پرداخته است.

محمد رضا سرشار در کتابی با عنوان «گذری بر ادبیات کودکان و نوجوانان قبل و بعد از انقلاب» به نقد و بررسی برخی از آثار کودکان و نوجوانان پرداخته است.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

مرتضی خسرو نژاد در مقاله‌ای با عنوان «معصومیت و تجربه در شعر کودک کوششی در تدوین نظریه نقد ادبیات کودک» کوشیده است معنای معصومیت و تجربه از دیدگاه بلیک را با معنای مفاهیم آن در فلسفه، فلسفه تعلیم و تربیت و روانشناسی همپوشی دهد و بدین گونه به مبنایی نظری در نقد ادبیات کودک دست یابد.

بحث و بررسی:

ادبیات کودک در اصل و اساس با تعاریفی که برای ادبیات به معنای عام ذکر شده است، تفاوتی ندارد؛ یعنی نه تنها ادبیات کودک در کیفیت چیزی از ادبیات بزرگسال کم ندارد، بلکه از آنجا که برای انسانی کم تجربه به وجود می‌آید، باید عالی تر و سازنده تر باشد. بنابراین در کنار بررسی شیوه‌های نقد ادبی در آثار فاخر ادبی بزرگسال، نباید از کاربرد آن برای تحلیل ادبیات کودک غافل ماند. زیرا دنیای ادبیات کودکان همچون ادبیات بزرگسالان دارای ویژگی‌ها و ظرافت‌هایی است که می‌توان با بهره‌گیری از نقدها و نظریه‌های ادبی، ارزشمندی و زیبایی آن را به مخاطب عرضه کرد، از طرفی به نویسندگان آثار کودک و نوجوان مسیر نگارش اثر سودمند را نشان داد.

نظرات گوناگونی درباره چرایی ادبیات کودکان مطرح شده است. عده‌ای ادبیات کودکان را هنر و گروهی آن را ابزار آموزش دانسته‌اند. عده‌ای دیگر آن را روشی برای انتقال مفاهیم تاریخی و فرهنگی به حساب آورده‌اند و گروهی به آن از منظر زیبایی‌شناسی ادبی نگریسته‌اند و گروهی ادبیات کودک را ابزار انتقال تاریخ و فرهنگ ملل مختلف معرفی کرده‌اند. از گذشته دو دسته نظریه در باب نقد ادبیات کودک و نوجوان وجود داشته است؛ «نقد معطوف به کتاب و نقد معطوف به کودک» (پولادی، ۱۳۸۴: ۱۲۱). که البته می‌توان به این دو، نظریه سوم یعنی «نقد معطوف به مؤلف» را هم اضافه کرد. از نظر هانت نقد ادبیات کودکان عبارت از نحوه انتخاب کتاب برای کودکان است (KarínLesnik-Oberstein, ۲۰۰۲: ۴). از میان نظریات سه گانه مطرح شده، دو نظریه «متن محوری و مؤلف محوری» این قابلیت را دارند که در کنار نظریه «مخاطب محوری» معیاری برای سنجش آثار ادبی کودک و نوجوان باشند.

۱- اهمیت نظریه «متن محوری» در نقد ادبی

زیبایی‌شناسی متن و استفاده از واژگان مناسب از ضروریاتی است که در ادبیات کودک و نوجوان باید مورد توجه نویسنده باشد و چنانچه ساختار متن دستخوش تغییراتی شود و متناسب با شاخصه‌های علاقه‌مندی مخاطبان نباشد؛ مخاطب‌گریزی و بی‌علاقگی را به دنبال خواهد داشت. یکی از انواع نظریه‌های ادبی «متن محوری» است. در این نظریه بدون توجه به مخاطب یا مؤلف اثر، صرفاً به بررسی و ارزیابی متن فارغ از دخالت عوامل بیرونی پرداخته می‌شود. زیبایی‌ها و ارزشمندی متن مورد سنجش قرار می‌گیرد و عناصر زیبایی‌آفرین آن که باعث برجستگی شده است؛ بررسی می‌شود. در واقع نویسنده بیش از محتوا به فرم و ظاهر اثر توجه دارد. جنبش فرمالیسم روس جزو نخستین جریان‌های ادبی‌شناسی بود که در مطالعات ادبی‌شان قبل از هر چیز به خود شعر توجه می‌کرد. آنان در این راه، روش فرم‌گرا را برگزیدند و بدان سبب فرمالیست نامیده شدند. باید توجه داشت که تمرکز بر جنبه‌های فرمی متن ادبی بدان معنا نیست که آنان هدف‌های اخلاقی یا اجتماعی را برای ادبیات در نظر نمی‌گرفتند (برتس، ۱۳۸۷: ۴) بلکه چگونگی بیان هدف‌های اخلاقی، اجتماعی و سیاسی در نظر آنها اهمیت بسیار داشت. ادبیات گونه‌ای از هنر است و هنرمند ادیب با بهره‌گیری از واژگان، ترکیبات و اصطلاحات،

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

عواطف را به آن می‌افزاید و اثری ادبی و هنری پدید می‌آورد. در واقع می‌کوشد، اندیشه‌ها و عواطف خویش را در قالب مناسب‌ترین و زیباترین عبارات بیان کند تا مخاطب از خواندن و شنیدن آن لذت ببرد (جلالی، ۱۳۹۵: ۸۵).

۱-۱- جایگاه «متن محوری» در نقد ادبیات کودک و نوجوان

هنگامی که شعر و ادب به واقعیت‌ها و زندگی روزمره ارجاع ندهد و یا با چنین نگاهی بدان پرداخته شود و در مطالعات ادبی، به ارتباط آن با حوزه‌های جامعه‌شناسی، تاریخ یا روان‌شناسی و خود مؤلف توجه نشود، جایگاهی مستقل به شعر و ادب داده شده است. این استقلال سبب می‌شود متن ادبی به عنوان نظام یا شبکه‌ای سازمان یافته از رمزگان، تنها به خود ارجاع دهد. این مسئله یک متن مستقل را رقم می‌زند و در نهایت به گرایش درون متنی و به دنبال آن متن محور می‌انجامد. عده‌ای معتقدند که ادبیات کودک، ادبیاتی است که به کمک آن بتوان پیام‌ها، مفاهیم، عواطف و اندیشه‌ها را انتقال داد و به لطیف‌سازی احساسات و نیز آموزش و پرورش تخیل و استعداد کودکان پرداخت. کودکان با احساسات لطیف به نوعی از زیبایی نیاز دارند که به رشد روانی و عاطفی آنان کمک کند. زیبایی در ادبیات کودکان نیز شکل خاصی از زیبایی و هنر است. در واقع ادبیات کودک به کار گرفتن واژه‌های مناسب و هنری برای کودکان در آفرینش نوشته‌ها و سروده‌هایی است که بتواند درخور فهم، درک، عواطف و نیازهای ذهنی، گفتاری و شنیداری کودکان باشد و زیبایی و هنر را انتقال دهد (جلالی، ۱۳۹۵: ۲۳). فرم و ساختار ادبی در ادبیات کودک از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. البته توجه محض نویسنده به فرم و ساختار متن ممکن است او را از دیگر ویژگی‌هایی که اهمیت دادن به آن ضروری است، باز دارد. پژوهشگر از دو منظر به نقد موضوع پرداخته است که عبارتند:

۱-۱-الف) پوچی و بی‌معنایی اثر

یکی از انواع ادبی کودکان، هیچانه‌هاست. هیچانه نوعی شعر کودک است که تقریباً معنای آن در سطح هیچ است و وزن عروضی، آهنگین و موزون بودن از ویژگی‌های اصلی و مهم هیچانه‌ها می‌باشد. هیچانه خوانی باعث رشد و پرورش ذهن کودکان زیر سه سال می‌شود و آنها را برای درک مفاهیم بین سنین سه تا هفت سالگی آماده می‌کند. تخیل شاعرانه و موسیقی دلنشین هیچانه‌ها باعث می‌شود تا کودک در تصوّرانش دنیا را آن طور که دوست دارد، ببیند و گاهی جاندارپنداری اشیاء و شخصیت بخشیدن به حیوانات، تخیل کودک را درگیر تصوّرات غیر واقعی، اما شیرین و لذت بخش می‌کند (فروزان، ۱۳۹۳: ۷۶). خردسالان زیر سه سال از شنیدن اشعار موزون و آهنگین لذت می‌برند، وزن و قافیه، دو مشخصه اصلی هیچانه‌هاست؛ بنابراین هیچانه‌ها بهترین نوع شعر برای سنین پایین یعنی گروه خردسالان است. موسیقایی بودن این نوع شعر، ذهن کودک نوپا را پرورش می‌دهد و او را برای درک معنی و مفاهیم در سنین بالاتر آماده می‌کند.

شاعر هیچانه‌سرا، واژه‌ها را در جایگاهی غیر از موقعیت اصلی خویش قرار می‌دهد و ساختار منظم هم‌نشینی و جاننشینی را رعایت نمی‌کند و گاه واژه‌هایی را به کار می‌گیرد که تنها از جهت صوت و آهنگ با واژگان دیگر هم‌نشینی می‌شود و در هر جا که آهنگ کلام اجازه دهد، واژه‌ها را جانشین یکدیگر می‌سازد (فیروزی مقدم، ۱۳۹۸: ۱۰۵).

برای سرودن هیچانه‌ها قوانین خاصی وجود ندارد. وزن، قافیه و بافت موسیقایی دلنشین، مؤلفه‌های اصلی و اساسی شکل‌گیری اشعار هیچانه است.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

تا رخت پاکی / بر تن بپوشم

چادر برایم / مادر خریده

یک مهر و تسبیح / خواهر خریده

(رحماندوست، ۱۳۷۹: فصل بهار بنویس)

در ظاهر این گونه به نظر می‌رسد که «چادر» نهاد جمله است، ولی با این تصور معنای اثر دگرگون می‌شود. بنابراین مخاطب باید جای واژه‌های «چادر» با «مادر» را عوض کند تا بتواند معنای منطقی آن را درک کند. «مادر برایم چادر خریده / خواهر یک مهر و تسبیح خریده» که این امر نه تنها به آفرینش زیبایی در کلام نینجامیده؛ بلکه به زیبایی آن هم لطمه زده است.

۲- اهمیت نظریه «مؤلف‌محور» در نقد ادبی

در تحلیل ادبیات کودک کمتر به نظریه مذکور توجه شده است. در این نظریه منتقد ادبی قبل از بررسی اثر باید به تحلیل و بررسی ویژگی‌های روحی و روانی و فضای اجتماعی و اندیشه پدیدآور اثر بپردازد. چرا که ممکن است نویسنده بر اساس اندیشه و عقیده و با هدفی خاص و بدون توجه به مخاطب و نیازهای خواندنی او اقدام به نگارش اثر کرده باشد. باید این نکته را در نظر داشت که «ادبیات کودکان به عنوان ادبیات مطرح می‌شود و باید با قابلیت‌ها و توانایی‌های خوانندگان (مخاطبان کودک) انطباق داشته باشد» (O'Sullivan, ۲۰۰۵: ۱۳).

۲-۱- جایگاه «مؤلف‌محوری» در نقد ادبیات کودک و نوجوان

تحلیل و بررسی ویژگی‌های روحی و روانی و اندیشه پدیدآور و فضای اجتماعی، ممکن است در نگارش آثار تأثیرگذار باشد. آنچه از این سخن برداشت می‌شود؛ این است که گاهی نویسنده اثری را با هدف انتقال ارزش‌ها و مفاهیم اجتماعی و تاریخی و نه با توجه به نیاز مخاطب خلق می‌کند. نویسنده کتاب «معرفی ادبیات کودکان از رمانتیسیم به پست مدرنیسم» بیان می‌کند «کمتر تعجب‌آور است که (بیان کنیم) محتوای ادبیات کودکان به تغییرات تاریخی و رویدادهای جهانی پاسخ می‌دهد» (Routledge, ۲۰۰۲: ۳). پژوهشگر به برخی از موضوعاتی که مؤلف با توجه به هدف خود و نه نیاز مخاطب به آن پرداخته است؛ اشاره دارد:

۲-۱-الف) بیان مشکلات اجتماعی

ممکن است شاعر یا نویسنده وضعیت اسفناک جامعه را با خلق اثری کودکانه مورد انتقاد قرار دهد. مانند این نمونه از کیانوش با عنوان «شب در آینه»:

در گردباد شب / آن رقص ناپدید سیاهی

بی حسرت ستاره و مهتاب / با خواب می‌روم

اکنون که راه‌ها و افق‌ها را شب / برچیده است

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

اکنون که آبها و غزلها/ دیگر شتاب و شور ندارند

من سایه‌وار/ در قعر آینه می‌ریزم...

(کیانوش، ۱۳۸۸: خار و مروارید گزیده اشعار کیانوش)

برخی از آثار کودک و نوجوان، زبان حال و بیان درد و اندوه بزرگسال است. جوامعی که فقر در آنها بیداد می‌کند و شاعر با دیدن اوضاع حزن‌انگیز مردم آن را به تصویر می‌کشد:

در پیاده رو، مادری به کودک گرسنه‌اش شیر می‌دهد

در کنار او کودکی نشسته است، دست سوی عابران دراز کرده

داد می‌زند «کمک کنید جان بچه‌های تان!»

از میان عابران فقط، یک درخت زرد پیر

سگه‌ای به کودک فقیر می‌دهد

(ملکی، در پیاده رو ۱۳۹۴: ۱۱).

ترسیم منظره‌ای است که کودکی به خاطر فقر و تنگدستی از مردم در حال عبور درخواست کمک می‌کند. در این ایماژ از پاییز سخن به میان نیامده است؛ اما ویژگی‌های درخت، فصل پاییز را در ذهن مجسم می‌کند. شاعر وضعیت نابسامان مادر و کودکی را به تصویر کشیده که مردم جامعه نسبت به آنها بی‌تفاوت هستند. موقعیت خود کودک و نیازمندی، وضع خانواده و اجتماع او و اینکه در این جامعه، کودک برای زندگی و زنده ماندن می‌جنگد و درخواست کمک دارد.

تصویر ایجاد شده، تأثیر عاطفی فراوانی بر مخاطب می‌گذارد. جان‌بخشی و انسان‌انگاری سبب غنای هنری اثر شده است. در این جامعه گویی فقط درخت پیر احساس دارد و سگه‌ای از جنس خود به کودک می‌دهد. منظور از سگه، برگ زرد درخت است که کاربرد مجاز در این تصویرسازی خالی از زیبایی نیست. به نظر می‌رسد، شرایط و موقعیت‌های خاص و اندیشه و هدف مؤلف، در تولید محتوا بسیار مؤثر بوده است. انتقاد از وضع موجود و بیان آلام مردم و غم‌نان و مشکلات جامعه، زبان حال کودک نیست؛ بلکه صرفاً با زبان کودک و بیان حال بزرگسال است که این‌گونه نشان داده شده است.

۲-۱-ب) بیان اندیشه‌های نویسنده

گاهی نویسنده اندیشه و اعتقاد خود را با زبان مخاطب و در قالب اثر او بیان می‌کند. ممکن است، تفسیر جدیدی از موضوع مورد نظر ارائه دهد و نگاهی متفاوت به کاربرد واژگان داشته باشد. به عنوان نمونه در اثر ذیل شاعر برای تأکید بر درون‌مایه شعر خود که محور اصلی اندیشه اوست، دست به تفسیر تازه‌ای برای نمادها و به ویژه «رنگ زرد و سرخ» زده است و «قفس»، نمادی برای «در بند کشیدن» یا «آواز»، نماد «آزادی» است که این کاربرد به تقویت بار معنایی مورد نظر شاعر کمک می‌کند.

زندگی سبز است، چون جنگل / زندگی آبی است، چون دریا

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

زندگی سرخ است، مثل خنده خورشید/ زندگی در رنگها جاری است

رنگها سرشار از حرفند/ می شود حتی صدای رنگها را دید

زندگی در خنده هایت: سبز/ در صدای قلب تو: آبی است

زندگی رنگین کمانی از غم و شادی است / رنگ و آواز قناریها، در قفس زرد است می بینی؟

زندگی سرخ است، وقتی رنگ آزادی است

(مهرپرور، ۱۳۷۶: قبله آبی)

در جهت تفسیر «زندگی» پس از توصیف شاعرانه، درونمایه اصلی شعر را بیان می کند. تصویرها بر اساس یک اندیشه شکل گرفته است. دغدغه زیستنی که زیبایی های آن به شرط وجود رنگ آزادی، سرخ و ایده آل وصف شده است. شاعر با تأکید بر ارزش اندیشه، دغدغه خود را بیان می کند. ابتکار شاعر در قطعیت بخشیدن به معنی نمادها قابل تأمل است. رنگ زرد برای اسارت، رنگ سرخ برای زندگی زیبا، به عبارتی، شاعر برای تأکید درونمایه شعر خود که محور اصلی اندیشه اوست، دست به تفسیر تازه ای از نمادها زده است. این کاربردهای پیچیده و بیان اندیشه بزرگسالان، در لابه لای آثار کودکان، نظریه «مؤلف محور» را تقویت می کند.

۲-۱-ج) بیان مسائل سیاسی

بحث دیگری که در نظریه «مؤلف محور» مورد بررسی قرار می گیرد، طرح مسائل سیاسی در لایه های پنهان ادبیات کودکان و نوجوانان است. نویسنده با زبانی رمزی و غیر مستقیم و البته جهت دار آنچه را که در ضمیر و درون خود دارد و نمی تواند آشکارا بیان کند به صورت غیر مستقیم مطرح می کند.

در مورد ورود مسائل سیاسی به ادبیات کودکان نظرات مختلفی وجود دارد. برخی معتقدند که بهتر است ذهن صاف و روشن کودکان را با چنین موضوعاتی کدر نکنیم و در مقابل برخی دیگر اعتقاد دارند که بهتر است آنها را با مسائل و مشکلاتی که در جامعه اش وجود دارد آشنا کنیم (فزل ایاغ، ۱۳۸۳: ۸۷).

بغل ده فقیر و بی آبی، باغ بسیار بزرگی بود، آباد آباد. پر از انواع درختان میوه و آب فراوان. باغ چنان بزرگ و پر درخت بود که اگر از این سرش حتی با دوربین نگاه می کردی آن سرش را نمی توانستی ببینی. چند سال پیش ارباب ده زمینها را تکه تکه کرده بود و فروخته بود به روستاییان؛ اما باغ را برای خودش نگاه داشته بود. البته زمینهای روستاییان هموار و پُر درخت نبود. آب هم نداشت. اصلاً ده یک همواری بزرگ در وسط درّه داشت که همان باغ اربابی بود و مقداری زمینهای ناهموار در بالای تپهها و سرازیری درّهها که روستاییان از ارباب خریده بودند و گندم و جو دیمی می کاشتند. خلاصه از این حرفها که بگذریم که شاید مربوط به قصه ما نباشد. دو تا درخت هلو هم توی باغ روییده بودند، یکی از دیگری کوچکتر و جوانتر. برگها و گلهای این دو درخت کاملاً مثل هم بودند به طوری که هر کسی در نظر اول می فهمید که هر دو درخت یک جنس اند. درخت بزرگتر پیوندی بود و هر سال هلوهای درشت و گلگون و زیبایی می آورد چنان که به سختی توی مشت جا می گرفتند و

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

آدم دلش نمی‌آمد آنها را گاز بزند و بخورد. باغبان می‌گفت درخت بزرگتر را یک مهندس خارجی پیوند کرده که پیوند را هم از مملکت خودشان آورده بود. معلوم است که هلوهای درختی که اینقدر پول بالایش خرج شده باشد چقدر قیمت دارد. دور گردن هر دو درخت روی تخته پاره‌ای دعای «و ان یکاد» نوشته آویزان کرده بودند که چشم زخم نخورند.

درخت هلوی کوچک‌تر هر سال تقریباً هزار گل باز می‌کرد اما یک هلو نمی‌رساند. یا گل‌هایش را می‌ریخت و یا هلوهایش را نرسیده زرد می‌کرد و می‌ریخت. باغبان هر چه از دستش می‌آمد برای درخت کوچک‌تر می‌کرد اما درخت هلوی کوچک‌تر اصلاً عوض نمی‌شد. سال به سال شاخ و برگ زیادتری می‌رویانند اما یک هلو برای درمان هم که شده بود، بزرگ نمی‌کرد. باغبان به فکرش رسید که درخت کوچک‌تر را هم پیوندی کند، اما درخت باز عوض نشد. انگار بنای کار را به لچ و لجبازی گذاشته بود. عاقبت باغبان به تنگ آمد. خواست حقه بزند و درخت هلوی کوچک‌تر را بترساند. رفت از راهی آورد و زنش را هم صدا کرد و جلو درخت هلوی کوچک‌تر شروع کرد به تیز کردن دندان‌های ازّه. بعد که ازّه حسابی تیز شد، عقب عقب رفت و یکدفعه خیز برداشت به طرف درخت هلوی کوچک‌تر که مثلاً همین حالا تو را از بیخ و بن اره می‌کنم و دور می‌اندازم تا تو باشی دیگر هلوهایت را نریزی..... (بهرنگی، ۱۳۷۷: یک هلو و هزار هلو)

در این داستان مانند بسیاری از آثار دیگر نویسنده تضاد و درگیری طبقات بالا و پایین جامعه به چشم می‌خورد. «پولاد و صاحب‌علی» نماد و نماینده طبقات پایین جامعه هستند که می‌خواهند حق خود را به هر نحوی که شده از اربابان و ارباب‌زادگان دریافت کنند و باغبان، نماینده قدرتی‌ست که از سوی طبقات بالای جامعه بر دو کودک تحمیل می‌شود و مانع تحقق سهم آنان از عدالت است. البته شیوه‌ای که صاحب‌علی و پولاد برای احقاق حقوق خود به آن متوسل می‌شوند شاید چندان پسندیده به نظر نیاید. اما کاشتن درخت هلو می‌تواند نماد دادخواهی و تحقق آرمان‌های طبقه ضعیف جامعه باشد و درخت؛ نماد پایداری و دوام تلاشی که شاید ثمره آن به دادخواهانی چون پولاد و صاحب‌علی نرسد اما هرگز اربابان و ثروتمندان نیز نمی‌توانند از آن بهره ببرند.

این نگاه نمادین، در ذهن خواننده کتاب تأثیر ناخودآگاه می‌گذارد و اثر بهرنگی را از یک روایت محض به دنیایی سمبلیک، آرمان‌خواهانه و باورپذیر نزدیک می‌کند. در مجموع «یک هلو هزار هلو» روایت تلاشی در راستای تحقق عدالت است، درختی که میوه شیرین و گوارایش سهم ستمدیدگان است. حتی اگر در این راه جان خود را از دست بدهند و در این دنیا مجال چشیدنش را نیافته باشند.

مشخصه متمایز کننده نقد ادبیات کودک از بزرگسال در ارتباط اثر با مخاطب و شناخت او از مطالب است که باید در نقد کودک لحاظ شود. در نقد بزرگسال منتقد با توجه به قواعدی خاص و جهان‌بینی مشخص در اثر، آن را محکوم نموده یا انتقاد می‌کند تا کیفیت اثر بهبود یابد؛ اما در نقد ادبیات کودک علاوه بر این که منتقد به بهبود اثر توجه دارد، از متن فراتر رفته و تفسیر انجام می‌دهد.

۱-۱-۵) بازگشت نویسنده به کودکی

یکی از مباحثی که در شعر کودک و نوجوان مطرح است؛ موضوع «بازگشت به کودکی» شاعر و نویسنده می‌باشد. بازگشت به کودکی در آثار ادبی جلوه‌های گوناگونی دارد.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

شاید خود میان بینی، ریشه اصلی شاخه‌های گوناگون تفکر کودکانه باشد که میوه‌ها و برگ و بار آن را می‌توان در باغ بسیار درخت شعر دید و چید. خودمیان بینی که شاعر خود را مرکز کاینات می‌داند و جهان را از چشم خود و به رنگ خود می‌بیند و تفسیر می‌کند (امین‌پور، ۱۳۸۵: ۲۰).

بازگشت به دوران کودکی و سرودن اشعاری به زبان کودکانه در آثار بسیاری از شاعران برجسته چون مولانا، سعدی، پروین اعتصامی، شاملو و دیگر بزرگان هم کاربرد وسیعی داشته است.

روزی گذشت پادشهی از گذرگهی / فریاد شوق بر سر هر کوی و بام خواست
پرسید زان میانه یکی کودک یتیم / کاین تابناک چیست که بر تاج پادشاست؟
آن یک جواب داد، چه دانیم ما که چیست؟ / پیداست آنقدر که متاعی گران‌بهاست
نزدیک رفت پیرزنی کوژ پشت و گفت / این اشک دیده من و خون دل شماست
ما را به رخت و چوب شبانی فریفته‌است / این گرگ سال‌هاست که با این گله آشناست
آن پارسا که ده خرد و ملک، راهزن است / آن پادشاه که ملک رعیت خورد، گداست
بر قطره سرشک یتیمان نظاره کن / تا بنگری که روشنی گوهر از کجاست؟
(اعتصامی، ۱۳۷۵: ۱۲۴)

شاعری چون پروین اعتصامی خود را به جای کودکی قرار داده و از زبان کودک در مورد تاج پادشاه و تابناکی آن سؤال می‌پرسد. سؤالی که شاعر در جایگاه و با دانش فعلی خود نیازی به پاسخ آن ندارد. ممکن است، تحولات درونی و روانی سبب ایجاد علاقه بازگشت شاعر به دوران کودکی شده باشد. به خصوص وقتی با احوال شاعر مواجه می‌شویم، درک مطلب و قبول آن پذیرفتنی‌تر خواهد بود.

این اثر بازتابی از اوضاع روزگار شاعر است. بنابراین از جهت جامعه‌شناسی و تحولات سیاسی قابل بررسی است. اوضاعی که مردم جامعه با فقر و تنگدستی و البته با زحمت فراوان و مشقت، روزگار می‌گذرانند و حاکمان با فریب و ایجاد وحشت، در جاه و نعمت هستند. از جهت زیبایی‌شناسی نیز عناصری به کار رفته است که کودک قدرت فهم آن را دارد. شاعر از زبان پیرزن به سؤال کودک جواب می‌دهد، جوابی که در عین زیبایی و ظرافت، ذهن کودک را با وضعیت نابسامان جامعه آشنا می‌کند.

کاربرد واژه «گرگ و گله» که استعاره‌ای از پادشاه خونخوار و ظالم و مردم مظلوم است، عمق مشقت و ستم بر مردم را به تصویر می‌کشد و در نهایت تشبیه ضمنی «روشنی اشک یتیمان» به «تابناکی تاج پادشاه» که البته به صورت کنایه به کار رفته بر زیبایی آن افزوده است. شاعر ستم بر کودک یتیم و خوردن حق او را دلیل وجود تابناکی تاج پادشاه و شفافیت و روشنی گریه‌های یتیم را سبب روشنی تاج پادشاه می‌داند.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

نتیجه:

از قدیم دو دسته نظریه در مورد نقد ادبیات کودک و نوجوان وجود داشته است که عبارتند از: «نقد معطوف به کتاب و نقد معطوف به کودک» که البته می‌توان به این دو دسته، نظریه سوم یعنی «نقد معطوف به مؤلف» را هم اضافه کرد. پژوهشگران با بررسی و شناخت تأثیر نظریه‌های سه‌گانه «متن‌محور، مؤلف‌محور و مخاطب‌محور» در آثار ویژه کودکان و نوجوانان می‌توانند به نتایج مطلوب‌تری دست یابند؛ بنابراین نباید در کنار بررسی شیوه‌های نقد ادبی در آثار فاخر بزرگسالان از کاربرد آن برای تحلیل ادبیات کودکان غافل بمانند. ادبیات کودکان همچون ادبیات بزرگسالان دارای ویژگی‌ها و ظرافت‌هایی است که می‌توان با بهره‌گیری از نقدها و نظریه‌های ادبی ارزشمندی و زیبایی آن را به مخاطب معرفی کرد و از سویی به نویسندگان آثار کودک مسیر نگارش اثر سودمند را نشان داد. یکی از انواع نظریه‌های نقد ادبی، «متن‌محوری» است که منتقد بدون توجه به مخاطب یا مؤلف اثر، صرفاً به بررسی و ارزیابی متن فارغ از دخالت عوامل بیرونی می‌پردازد. او زیبایی‌ها و ارزشمندی متن را مورد سنجش قرار می‌دهد و عناصر زیبایی‌آفرین آن را که باعث برجستگی شده است بررسی می‌کند.

تحلیل و بررسی ویژگی‌های روحی و روانی و فضای اجتماعی و اندیشه پدیدآور اثر یا مؤلف ممکن است در نگارش آثار تأثیرگذار باشد. آنچه از این تعریف برداشت می‌شود این است که نویسنده اثری را با هدف انتقال ارزشها و مفاهیم اجتماعی و تاریخی خلق کند. پژوهشگر با بررسی نظریه‌های «متن‌محور و مؤلف‌محور» و تطبیق آن با ویژگی‌های آثار کودکان و نوجوانان، می‌تواند آثار این گروه از مخاطبان را مورد واکاوی قرار دهد.

منابع و مآخذ:

- ۱- اعتصامی، پروین (۱۳۷۵)، دیوان با مقدمه ملک‌الشعراى بهار، تهران: انتشارات نغمه.
- ۲- امین‌پور، قیصر (۱۳۸۵)، شعر و کودکی، چاپ دوم، تهران: مروارید.
- ۳- برتنس، هانس (۱۳۸۷)، مبانی نظریه ادبی، ترجمه محمدرضا ابوالقاسمی، چاپ دوم، تهران: ماهی.
- ۴- پولادی، کمال (۱۳۸۴)، بنیادهای ادبیات کودک، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- ۵- جلالی، مریم (۱۳۹۵)، شاخص‌های اقتباس در ادبیات کودک و نوجوان: نگاهی نو به بازنویسی و بازآفرینی به انضمام فهرست صد ساله اقتباس از شاهنامه در ادبیات کودک و نوجوان، چاپ اول، تهران: انجمن فرهنگی هنری زنان ناشر.
- ۶- شمیسا، سیروس (۱۳۹۴)، نقد ادبی، تهران: میترا.
- ۷- فروزان، راضیه سادات (۱۳۹۳)، «اشعار هیچانه در ادبیات کودک»، کتاب ماه کودک و نوجوان، فروردین ۹۳ صفحات ۷۶ - ۸۰.
- ۸- فیروزی‌مقدم، محمود و علوی‌مقدم، مهیار (۱۳۹۸)، «بلاغت زیبایی‌شناسی و معناگرایی «هیچانه‌ها» در ادبیات عامیانه کودکان»، دو ماهنامه فرهنگ و ادبیات عامه، سال هفتم، شماره ۲۸.
- ۹- قزل‌ایاغ، ثریا (۱۳۸۳)، ادبیات کودکان و نوجوانان و ترویج و خواندن، تهران: انتشارات سمت.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

۱۰- مصاحب، غلامحسین (۱۳۸۰) دایره المعارف فارسی، تهران: امیرکبیر.

- ۱۱- Karín Lesnik-Oberstein (۲۰۰۲), *Children's Literature New Approaches*, London and New York
- ۱۲- O'Sullivan, Emer (۲۰۰۵), *Comparative Children's Literature*, London and New York
- ۱۳- Peter Hunt (۱۹۹۲), *Literature for children Contemporary criticism*, London and New York
- ۱۴- Routledge (۲۰۰۲), *Introducing Children's Literature From Romanticism to The Johns Hopkins University Press*

- بهرنگی، صمد (۱۳۷۷)، برگزیده آثار صمد بهرنگی، گزینش علی اشرف درویشیان، تهران: کتاب و فرهنگ.
- رحماندوست، مصطفی (۱۳۷۹) فصل بهار بنویس، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- کیانوش، محمود (۱۳۸۸)، خاور و مروارید، گزیده اشعار کیانوش، لندن: بی‌نا.
- ملکی، بیوک (۱۳۹۴) در پیاده‌رو، تهران: کتاب‌های شکوفه.
- مهرپرور، ملیحه (۱۳۷۶)، قبله‌آبی، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی حوزه هنری دفتر شعر کودک و نوجوان.
- هدایت، صادق (۱۳۶۴)، فرهنگ عامیانه مردم ایران، تهران: چشمه.